

واکاوای رابطه‌ی بین سرمایه روان‌شناختی و گرایش به خوداشتغالی دانشجویان کشاورزی دانشگاه اراک

مسعود رضائی^{۱*} و فائزه‌السادات ابطحی^۲

(دریافت: ۹۸/۱۱/۰۸؛ پذیرش: ۹۹/۰۵/۳۰)

چکیده

هدف اصلی این پژوهش واکاوی رابطه‌ی بین سرمایه روان‌شناختی با گرایش به خوداشتغالی دانشجویان کشاورزی دانشگاه اراک بود. این تحقیق از نوع پژوهش کمی و در عین حال توصیفی-همبستگی است که با بهره‌گیری از شیوه پیمایش انجام شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق را ۴۰۰ نفر از دانشجویان کارشناسی دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه اراک تشکیل دادند که نمونه‌ای به حجم ۱۱۵ نفر با استفاده از نرم‌افزار SPSS Sample Power و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شد. روایی محتوایی پرسشنامه با نظرسنجی از متخصصان و پایایی آن با محاسبه آلفای کرونباخ تعیین شد که برای تمامی بخش‌های پرسشنامه، مقدار ضریب آلفا بالاتر از ۰/۸ به دست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو نرم‌افزار SPSS و AMOS بهره گرفته شد. بر پایه یافته‌های پژوهش سرمایه روان‌شناختی بیشتر دانشجویان بالا و گرایش به خوداشتغالی آنان متوسط بود. نتیجه‌ی مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد بین سرمایه روان‌شناختی با گرایش به خوداشتغالی دانشجویان و نتیجه تحلیل همبستگی نشان داد بین مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی (خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و خوش‌بینی) با گرایش به خوداشتغالی دانشجویان در سطح یک درصد رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد دو سازه امیدواری و خودکارآمدی می‌توانند ۳۱ درصد از تغییرات گرایش به خوداشتغالی دانشجویان را تبیین کنند. نتایج این مطالعه می‌تواند برای افزایش گرایش دانشجویان کشاورزی به خوداشتغالی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: دانشجویان کشاورزی، سرمایه روان‌شناختی، خوداشتغالی.

دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

استادیار گروه گیاهان دارویی و معطر، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه اراک، اراک، ایران.

*نویسنده مسئول، پست الکترونیک: m.rezaei@ihcs.ac.ir

بیکاری دانش‌آموختگان یکی از مسائل روز مورد بحث در بین سیاست‌گذاران و متخصصان آموزش عالی است و فشار به دانشگاه‌ها برای تربیت دانش‌آموختگانی که بتوانند شاغل شوند در حال افزایش است (Wilks & Burns, 2019). دانشجویان اغلب پس از اینکه زمان و منابع باارزش خود را صرف آموزش می‌کنند، با بیکاری مواجه می‌شوند. این امر آنان را در برابر شرایط اقتصادی نامساعد آسیب‌پذیرتر می‌سازد، زیرا منابع زیادی را صرف آموزش خود کرده‌اند (Hossain *et al.*, 2018). نرخ بیکاری جوانان در خاورمیانه و آفریقای شمالی (۲۱ درصد در خاورمیانه و ۲۵ درصد در آفریقای شمالی)، بالاترین نرخ در جهان بوده و دانش‌آموختگان دانشگاهی حدود ۳۰ درصد از بیکاران این مناطق را تشکیل می‌دهند (Kabbani, 2019; World Bank, 2012). در ایران نیز بر اساس گزارش سازمان برنامه و بودجه، در دوره ۱۳۹۵-۱۳۷۵ به‌رغم ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان دانشگاهی و افزایش سهم اشتغال آنان از کل شاغلان، نرخ بیکاری نیروی کار دارای آموزش عالی از ۴ درصد به ۲۰ درصد افزایش یافته است و در سال ۱۳۹۵ نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی حدود ۷/۶ واحد درصد بیشتر از میانگین کل نرخ بیکاری کشور بوده و فاصله آن با نرخ بیکاری افراد بی‌سواد و کم‌سواد بیشتر شده است (امینی، ۱۳۹۶). علاوه بر این، جوانان چندین سال را صرف یافتن شغل می‌کنند. این تأخیر در گذار به بزرگسالی، بر سایر روندهای بزرگسالی مانند ازدواج، خانه‌دار شدن و مشارکت مدنی نیز تأثیر می‌گذارد (Kabbani, 2019).

سیاست‌گذاران غالباً در جست‌وجوی سیاست‌های نوآورانه و کارآمد برای تسهیل گذار جوانان از تحصیل به بازار کار هستند (World Bank, 2012) و دولت‌ها به منظور تقویت منافع اقتصادی حاصل از راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید، دانشجویان را تشویق می‌کنند تا خوداشتغالی یا مالکیت کسب‌وکار را به عنوان یک گزینه شغلی در نظر گرفته و کارآفرین شوند (Solesvik *et al.*, 2012).

خوداشتغالی به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد به‌جای نیروی کار یک سازمان، شخص دیگر یا دولت بودن، تصمیم می‌گیرد کسب‌وکار خود را راه‌اندازی کند و به‌طور مستقیم از مصرف‌کننده درآمد کسب کند. خوداشتغالی مفهومی در برابر دگراشتغالی است که در آن افراد به‌جای کار کردن برای دیگران و دریافت مزد از آنان، برای خود کار می‌کنند (Isah & Garba, 2015) که همواره متضمن خطرپذیری و بهره‌برداری از فرصت‌ها برای ایجاد اشتغال، با استفاده از رویکردهای نوآورانه و خلاقانه برای بهبود محصولات است (Al Idrus *et al.*, 2019). گرایش به خوداشتغالی حالتی ذهنی است که توجه و اقدام فرد را به سوی خوداشتغالی، به‌جای اشتغال در یک سازمان هدایت می‌کند (Tella & Issa, 2013) که پیش‌نیاز ضروری برای رفتار واقعی، یعنی انتخاب خوداشتغالی به‌عنوان گزینه شغلی است (McStay, 2008).

بر اساس آمار سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (Organization for Economic Cooperation and Development) در سال ۲۰۱۸، به ترتیب کشورهای کلمبیا (۵۲/۱ درصد)، یونان (۳۳/۵ درصد)، برزیل (۳۲/۵ درصد)، ترکیه (۳۲ درصد)، مکزیک (۳۱/۶ درصد) و شیلی (۲۷/۱ درصد) بیشترین سهم خوداشتغالی را داشته‌اند (OECD, 2019). گرایش به خوداشتغالی نیز در اتحادیه اروپا ۴۹ درصد، ایالات‌متحده ۵۵ درصد و چین ۷۱ درصد بوده است (Stawi ska, 2012). دانشگاه نهادی است که دانشجویان پس از عبور از آن به مرحله زیست شغلی وارد می‌شوند و دانشگاه‌ها مکان‌هایی هستند که در آن‌ها محصولات و فرایندهای جدید که پایه‌ی شکل‌گیری بنگاه‌ها و کسب‌وکارهای جدید را تشکیل می‌دهند، ایجاد می‌شوند (Abebe, 2015). علی‌رغم اینکه انتظار می‌رود هر فردی که دارای مدرک دانشگاهی است بتواند از فرصت‌های موجود برای اشتغال استفاده کرده و امنیت شغلی به دست آورد، اما واقعیت این‌گونه نبوده و افراد دارای مدرک، سال‌ها پس از فارغ‌التحصیلی به جست‌وجوی شغل می‌پردازند (Ogege, 2011). اکنون اضطراب دانشجویان برای یافتن شغل پس از فارغ‌التحصیلی افزایش یافته، زیرا عوامل مختلفی مانند رکود طولانی‌مدت اقتصادی و تغییر ماهیت کار یافتن شغل برای آنان را مشکل کرده است (Shin, 2018)، به همین دلیل دانشگاه‌های جهان هدف اصلی خود را به پرورش دانش‌آموختگانی که بتوانند در عصر کنونی شغل به دست آورند تغییر داده و از این روی، تربیت دانش‌آموختگانی که بتوانند صاحب شغل شوند، به یکی از کارکردهای اصلی دانشگاه‌ها بدل شده است (Kanagasigam, 2017).

کشاورزی در ایران یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور است، اما منابع و پتانسیل‌های موجود در این بخش از جمله نیروی انسانی آموزش‌دیده به‌طور کامل مورد استفاده قرار نگرفته‌اند (موحدی و چرختابیان، ۱۳۹۲) که از دلایل اصلی این امر

سنتی بودن بخش کشاورزی، محدود بودن فرصت‌های شغلی در بخش‌های دولتی و ناتوانی دانش‌آموختگان برای ورود به حوزه کارآفرینی است که به بیکاری آنان منجر شده است. بر اساس گزارش سازمان برنامه و بودجه، نرخ بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی ۲۰ درصد می‌باشد (امینی، ۱۳۹۶). گسترش آموزش عالی کشاورزی و عدم تناسب کیفیت دانش‌آموختگان با نیاز بازار کار، خوداشتغالی را یکی از گزینه‌های مهم برای آینده شغلی دانشجویان رشته‌های کشاورزی قرار داده است (حاجی میررحیمی و نوروزی، ۱۳۹۳)، که می‌تواند به حل معضل بیکاری و بهبود شرایط اقتصادی کشور کمک کند، زیرا در اقتصادهایی که سهم خوداشتغالی در آن‌ها بیشتر است، بهبود وضعیت اقتصادی نیز سریع‌تر اتفاق می‌افتد (Shapiro, 2014). مطالعات اخیر نیز حاکی از آن است که خوداشتغالی اثرات مثبت و محسوس اقتصادی، نه تنها بر اشتغال و دستمزد، بلکه بر رشد درآمد سرانه و کاهش فقر دارد (Goetz *et al.*, 2012). به علاوه، کارآفرینی در کشاورزی فرصت‌های بیشتری را برای توسعه کارآفرینی فراهم می‌کند، به این معنا که می‌تواند بستری برای پرورش کسب‌وکارهای کوچک باشد (Barau & Adesiji, 2018). کسب‌وکارهای کوچک منبع مهم نوآوری و ایجاد مشاغل جدید می‌باشند. به همین دلیل، رشد کسب‌وکارها در حوزه کارآفرینی مورد توجه قرار گرفته و عوامل تأثیرگذار بر آن توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است.

بخش زیادی از مطالعات روان‌شناسی در حوزه کارآفرینی صرفاً به نقش صفات شخصیتی یا ویژگی‌های صفت‌مانند نظیر مرکز کنترل، استقلال‌طلبی، خطرپذیری و غیره که تغییر آن‌ها دشوار است، معطوف بوده و از تبیین ویژگی‌های حالت‌مانند که نسبتاً قابل‌انعطاف و تغییر هستند، مانند خودکارآمدی، تاب‌آوری، امیدواری و خوش‌بینی غفلت کرده (Pease & Cunningham, 2012; Luthans *et al.*, 2016) و تأثیر آن بر نگرش‌های مثبت نظیر رشد قصد کارآفرینان را مورد توجه قرار نداده‌اند (Yousaf *et al.*, 2015). بسیاری از پژوهش‌های رشته‌های علوم رفتاری پایه مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مدت‌ها به مسائل و جنبه‌های منفی عملکرد انسان اختصاص داشته و فهم اندکی از نقاط قوت، کامیابی و عملکرد بهینه انسان ارائه کرده‌اند (Luthans *et al.*, 2015). جنبش روان‌شناسی مثبت به درخواست مارتین سلیگمان پدیدار شد. وی خواستار توجه به ویژگی‌های مثبت و عملکرد بهینه افراد توانا، به جای توجه صرف به درمان خطاهای انسان‌ها بود و سه رکن تجربه‌های ذهنی مثبت، ویژگی‌های فردی مثبت و جامعه و سازمان‌های مثبت را برای روان‌شناسی مثبت تعیین کرد (Yousaf *et al.*, 2015). از آنجایی‌که کارآفرینی شامل خطرها و عدم قطعیت‌های بی‌شماری است، منابع روان‌شناسی مثبت نظیر شجاعت، اعتمادبه‌نفس، امیدواری، خوش‌بینی و تاب‌آوری می‌توانند برای کارآفرینان باارزش باشند (Bockorny & Youssef-Morgan, 2019). سرمایه روان‌شناختی مفهوم جدیدی است که ریشه در روان‌شناسی مثبت و رفتار سازمانی مثبت دارد، اما در حوزه کارآفرینی چندان مورد بررسی قرار نگرفته است. این در حالی است که سرمایه روان‌شناختی یک ویژگی فردی مهم است که برای هدایت کسب‌وکارها ضروری است (Hmieleski & Carr, 2008).

سرمایه روان‌شناختی حالتی از رشد روانی مثبت فرد است که با (۱) داشتن اطمینان (خودکارآمدی) برای بر عهده گرفتن مسئولیت و انجام تلاش لازم برای موفقیت در کارهای پرچالش؛ (۲) ایجاد اسناد مثبت (خوش‌بینی) درباره موفقیت در زمان حال و آینده؛ (۳) داشتن پشتکار برای رسیدن به اهداف و در صورت لزوم، تغییر مسیر برای دستیابی به اهداف (امیدواری) و حصول موفقیت و (۴) تحمل، غلبه و حتی گذر از فلاکت و سختی‌هایی (تاب‌آوری) که فرد را احاطه کرده‌اند، برای رسیدن به موفقیت، مشخص می‌شود (Luthans *et al.*, 2007; Luthans *et al.*, 2015). در واقع سرمایه روان‌شناختی به این مفهوم که چه کسی هستید؟ (خود واقعی) و چه کسی می‌خواهید بشوید؟ (خود ممکن) اشاره دارد که مفهومی ورای سرمایه انسانی (چه چیزی می‌دانم؟) و سرمایه اجتماعی (چه کسانی را می‌شناسم؟) است (Luthans *et al.*, 2015). همان‌طور که در تعریف مشخص است سازه سرمایه روان‌شناختی شامل چهار بعد خودکارآمدی / اطمینان (Self-efficacy/Confidence)، خوش‌بینی (Optimism)، امیدواری (Hope) و تاب‌آوری (Resilience) است (Luthans *et al.*, 2007). خودکارآمدی که حاصل چندین سال پژوهش باندورا است، به معنی باور انسان‌ها درباره توانایی‌هایشان برای کنترل اعمال خود و رویدادهایی است که بر زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد (Bandura, 1997). خودکارآمدی در حوزه کارآفرینی، ادراک فرد درباره توانایی‌هایش برای کارآفرین شدن و باور به انجام موفقیت‌آمیز نقش‌ها و وظایف کارآفرینی است (Luthans & Ibrayeva, 2006). خوش‌بینی یک نیروی روان‌شناختی است که زیاد درباره آن صحبت می‌شود، اما فهم کمتری از آن وجود دارد. در زبان روزمره خوش‌بین کسی است که انتظار دارد رویدادهای مثبت و خوشایند در آینده اتفاق افتند و بدبین کسی است که دائماً دارای افکار منفی است و معتقد است وقایع ناخوشایند اتفاق خواهند افتاد. گرچه خوش‌بینی در سرمایه

روان‌شناختی به این مفهوم سطحی اشاره دارد، اما چیزی بیش از آن است. خوش‌بینی فقط محدود به پیش‌بینی رخداد رویدادهای خوب در آینده نیست، بلکه مهم‌تر از همه خوش‌بینی به دلایل و تفسیرهایی که یک فرد برای توضیح اینکه چرا رویدادهای خاص مثبت یا منفی در زمان حال یا آینده اتفاق می‌افتند، بستگی دارد (Luthans et al., 2007; Luthans et al., 2015). به‌طور خلاصه، خوش‌بینی را می‌توان بر اساس برداشت ذهنی از میزان دشواری در دستیابی به هدف تعریف کرد. هر قدر برداشت ذهنی از دستیابی به هدف آسان باشد، میزان خوش‌بینی فرد بالاتر است (Margarita et al., 2015). خوش‌بینی یک شیوه تبیینی است که رویدادهای مثبت را به محرک‌های شخصی، دائمی و فراگیر نسبت می‌دهد و رویدادهای منفی را از نظر عوامل بیرونی، موقتی و خاص موقعیت تفسیر می‌کند (Luthans et al., 2007).

مؤلفه‌ی امیدواری در سرمایه روان‌شناختی نه تنها داشتن میل و اراده برای رسیدن به اهداف است، بلکه شناخت مسیرهای دستیابی به اهداف و داشتن مسیرهای مشخص جایگزین، در صورت مسدود بودن یک مسیر است (Luthans et al., 2015). بنابراین، امید مستلزم عاملیت یا نوعی انرژی برای پیگیری اهداف است. علاوه بر این، برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف، عنصر دیگر امید است که نه تنها دربرگیرنده شناسایی هدف‌هاست، بلکه راه‌های متفاوت رسیدن به هدف‌ها را نیز شامل می‌شود (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۶). تاب‌آوری به‌عنوان چهارمین بعد سرمایه روان‌شناختی، عبارت از پایداری فرد هنگامی که سختی‌ها و مشکلات راه دستیابی به موفقیت او را احاطه کرده‌اند، است (Luthans et al., 2012).

تاب‌آوری نه تنها شامل برگشت به حالت عادی است، بلکه دربردارنده بهره‌برداری از مشقت‌ها و سختی‌ها به‌عنوان سکوی پرش برای رشد و توسعه است (Luthans et al., 2015). پژوهش‌های مختلف درباره رابطه‌ی سرمایه روان‌شناختی و کارآفرینی به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند. نتایج پژوهش‌هایی که درباره رابطه‌ی این سازه با ویژگی‌های کارآفرینی انجام شده‌اند حاکی از آن است که بین مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی و ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود دارد (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ Al Rasyid & Bangun, 2015) و حالت‌های خوش‌بینی و تاب‌آوری بیشترین تأثیر را بر کارآفرینی دارند (Al Rasyid & Bangun, 2015) و سرمایه روان‌شناختی تأثیر بسیار زیادی بر روحیه کارآفرینی دارد (Tianyu, 2018).

پژوهش‌هایی که به مطالعه ارتباط سرمایه روان‌شناختی با موفقیت کارآفرینان پرداخته‌اند، نشان دادند که سرمایه روان‌شناختی ارتباط مثبت با موفقیت کارآفرینی دارد (Baluku et al., 2016; Hasni et al., 2015) و کارآفرینان با سرمایه روان‌شناختی بیشتر، فشار روانی و اضطراب کمتری را تجربه می‌کنند (Baron et al., 2016) و سرمایه روان‌شناختی ارتباط مثبت با نتایج کارآفرینی از جمله عملکرد شرکت، رضایت کارآفرین، خرسندی و تعهد به نقش کارآفرینی دارد (Baluku et al., 2018) و سه مؤلفه سرمایه روان‌شناختی یعنی امید، تاب‌آوری و خودکارآمدی تأثیر مثبت بر تمایل به راه‌اندازی استارت‌آپ‌ها دارند، اما خوش‌بینی تأثیر ندارد (Jin, 2017). همچنین سرمایه روان‌شناختی تأثیر بسیار معنی‌داری بر شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه و ادراک محیط کارآفرینانه دارد (Ma et al., 2018). پژوهش‌هایی که رابطه‌ی سرمایه روان‌شناختی و قصد کارآفرینی (به‌عنوان مظهر گرایش به خوداشتغالی) را بررسی کردند، نشان دادند که بین سرمایه روان‌شناختی و قصد کارآفرینی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد و رابطه‌ی بین سرمایه روان‌شناختی و قصد کارآفرینی در مردان بیشتر از زنان بود (Sebora & Tantiukoskula, 2011). همچنین بین قصد کارآفرینی با تمام ابعاد سرمایه روان‌شناختی (Contreras et al., 2017; Ghani et al., 2013)، به‌ویژه خودکارآمدی (Contreras et al., 2017; Madar et al., 2019; Baluku et al., 2019)، تاب‌آوری (Contreras et al., 2017) و خوش‌بینی رابطه وجود دارد (Madar et al., 2019; Baluku et al., 2019). برخی پژوهشگران نیز رابطه‌ی سرمایه روان‌شناختی با متغیرهای دیگر را مورد مطالعه قرار داده‌اند. پژوهش حسن و همکاران (Hasan et al., 2019) نشان داد سرمایه روان‌شناختی مثبت اثر معنی‌داری بر صلاحیت کارآفرینی دانشجویان دارد و یادگیری کارآفرینی به‌واسطه‌ی سرمایه روان‌شناختی مثبت بر صلاحیت کارآفرینی تأثیر دارد. علاوه بر این، سرمایه روان‌شناختی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رضایت شغلی، عملکرد و نگرش کارآفرینان دارد (Wang et al., 2018) و نقش میانجی بین شجاعت و رضایت از زندگی کارآفرینان دارد (Bockorny & Youssef-Morgan, 2019).

یافته‌های پژوهش کهن‌هوش‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد سرمایه روان‌شناختی کارآفرینانه بر ایجاد کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیز جدید تأثیر مستقیم دارد و این سازه از طریق متغیر میانجی قصد کارآفرینانه به‌طور غیرمستقیم بر ایجاد کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیز جدید تأثیر مثبت می‌گذارد. کشاورز و همکاران (۱۳۹۶) گزارش کردند میانگین سرمایه روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن به شکل معنی‌داری از حد متوسط بالاتر بود و بین سرمایه روان‌شناختی و ابعاد آن با کارآفرینی سازمانی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. بر

پایه پژوهش محبوبی و کریمی (۱۳۹۳)، سرمایه روان‌شناختی به‌تنهایی می‌تواند ۳۷ درصد از تغییرات کارآفرینی در دانشجویان را تبیین کند و بین ابعاد چهارگانه سرمایه روان‌شناختی با کارآفرینی دانشجویان در سطح یک درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد. پژوهش عبدی و همکاران (۱۳۹۸) نیز نشان داد خودکارآمدی تأثیر زیادی در میزان قابلیت اشتغال دانشجویان کشاورزی دارد. با توجه به مطالب ذکر شده در بالا، فرضیه‌ی اصلی این تحقیق عبارت است از: بین سرمایه روان‌شناختی دانشجویان و گرایش آنان به خوداشتغالی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. فرضیه‌های فرعی پژوهش عبارتند از:

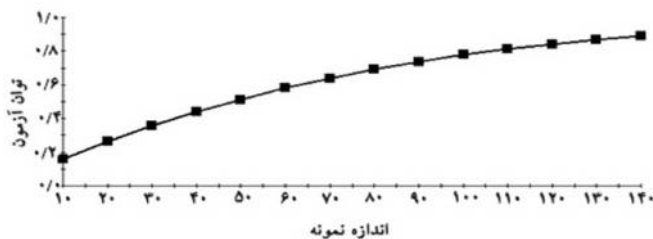
- ۱) بین خودکارآمدی و گرایش به خوداشتغالی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛
- ۲) بین امیدواری و گرایش به خوداشتغالی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛
- ۳) بین تاب‌آوری و گرایش به خوداشتغالی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ و
- ۴) بین خوش‌بینی و گرایش به خوداشتغالی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

روش پژوهش

رویکرد این تحقیق کمی بوده، برحسب هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، جزء پژوهش‌های میدانی است. جامعه‌ی آماری شامل دانشجویان کارشناسی (N=۴۰۰) دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه اراک در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بود. بر اساس گزارش سازمان برنامه و بودجه، دانشجویان مقطع لیسانس بیشترین نرخ بیکاری (۲۲/۶ درصد) را در کشور دارند (امینی، ۱۳۹۶) و باید توجه ویژه‌ای به اشتغال آنان صورت گیرد. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه از پیش‌فرض‌های سطح معنی‌داری ۰/۰۵، توان آزمون آماری ۰/۸۲، فرضیه یک دامنه و اندازه اثر ۰/۲۴ استفاده شد و با کمک نرم‌افزار SPSS Sample Power ۱۱۵ نفر نمونه مطلوب (نمودار ۱) با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

به‌منظور جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسش‌نامه استاندارد استفاده شد. برای اندازه‌گیری گرایش به خوداشتغالی دانشجویان از مقیاس کنترپراس و همکاران (Contreras et al., 2017) با پنج گویه در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت و برای سنجش سرمایه روان‌شناختی از مقیاس لوتانز و همکاران (Luthans et al., 2014) با ۲۰ گویه در قالب شش گزینه (کاملاً مخالفم، مخالفم، تا حدودی مخالفم، تا حدودی موافقم، موافقم و کاملاً موافقم) مطابق با مقیاس اصلی استفاده شد. لازم به ذکر است مقیاس اصلی سرمایه روان‌شناختی شامل ۲۴ گویه است که چهار گویه در مرحله بررسی پایایی ابزار پژوهش حذف شدند.

در این پژوهش برای دسته‌بندی سرمایه روان‌شناختی دانشجویان از ملاک نمره پرسشنامه اصلی و تعدیل این نمره با توجه به گویه‌های حذف شده (۲۰-۳۶ پایین، ۳۷-۷۶ متوسط و بیش از ۷۶، بالا) و برای دسته‌بندی گرایش به خوداشتغالی از تفاوت انحراف معیار از میانگین (Gangadharappa et al., 2007) استفاده شد و بر این اساس دانشجویان به سه دسته ضعیف، متوسط و قوی طبقه‌بندی شدند. روایی ابزار پژوهش توسط چند نفر از افراد خبره بررسی و تأیید شد و پایایی سازه‌های گرایش به خوداشتغالی (۰/۸۲)، خودکارآمدی (۰/۸۱)، خوش‌بینی (۰/۸۰)، امیدواری (۰/۸۰) و تاب‌آوری (۰/۸۳) نیز با محاسبه آلفای کرونباخ تأیید شدند که با توجه به طبقه‌بندی جرج و مالری (George & Mallery, 2016) خوب می‌باشند. داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS و دو روش آماری همبستگی و رگرسیون تحلیل شدند. برای بررسی رابطه بین سازه‌های تشکیل‌دهنده سرمایه روان‌شناختی (خودکارآمدی، خوش‌بینی، امیدواری و تاب‌آوری) با گرایش به خوداشتغالی از نرم‌افزار SPSS و برای تحلیل همبستگی سرمایه روان‌شناختی به‌عنوان سازه‌های کلی با گرایش به خوداشتغالی از نرم‌افزار AMOS استفاده شد و در نهایت تأثیر جمعی سازه‌ها بر گرایش به خوداشتغالی با استفاده از رگرسیون در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.



نمودار ۱- خروجی نرم‌افزار برای حجم نمونه

یافته‌ها و بحث

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

بر اساس یافته‌های پژوهش ۳۵/۷ درصد از دانشجویان مرد و ۶۴/۳ درصد زن بودند. ۵۶/۵ درصد از دانشجویان اظهار کردند که عضوی از خانواده در گذشته کسب‌وکاری را تأسیس کرده است و ۴۳/۵ درصد بیان کردند که هیچ‌یک از اعضای خانواده کسب‌وکاری راه‌اندازی نکرده‌اند. میانگین سنی دانشجویان مورد مطالعه ۲۳ سال، حداقل ۱۹ سال و حداکثر ۴۷ سال بود.

توصیف سازه‌های اصلی پژوهش

نتایج پژوهش نشان داد، گرایش به خوداشتغالی ۴۵/۲ درصد از دانشجویان در حد متوسط، ۳۴/۸ درصد در حد ضعیف و فقط ۲۰ درصد در حد قوی بود. سرمایه روان‌شناختی ۹۰/۴ درصد از دانشجویان بالا و ۹/۶ درصد در حد متوسط بود (جدول ۱).

جدول ۱- توزیع فراوانی گرایش به خوداشتغالی و سرمایه روان‌شناختی دانشجویان

گرایش به خوداشتغالی	فراوانی	درصد
ضعیف (کمتر از ۱۴)	۴۰	۳۴/۸
متوسط (۱۴-۲۱)	۵۲	۴۵/۲
قوی (بیش از ۲۱)	۲۳	۲۰
سرمایه روان‌شناختی	فراوانی	درصد
متوسط (۳۷-۷۶)	۱۱	۹/۶
بالا (بیش از ۷۶)	۱۰۴	۹۰/۴

رابطه‌ی سرمایه روان‌شناختی با گرایش به خوداشتغالی

به‌منظور بررسی رابطه‌ی بین مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با گرایش به خوداشتغالی دانشجویان از تحلیل همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول ۲ نتیجه‌ی تحلیل همبستگی را نشان می‌دهد. نتیجه‌ی پژوهش نشان داد بین خودکارآمدی با خوداشتغالی دانشجویان در سطح یک درصد رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد که بر اساس طبقه‌بندی کوهن (۰/۲۹ تا $r=0/1$ ضعیف؛ $r=0/30$ تا $r=0/50$ متوسط و $r=0/50$ تا $r=0/70$ قوی) (Pallant, 2007) این رابطه متوسط می‌باشد. پژوهشگران دیگر نیز به وجود این رابطه اشاره کرده‌اند (رضائی، ۱۳۹۸؛ Ghani et al., 2013; Contreras et al., 2017; Baluku et al., 2019). یک راه مهم برای اینکه فرد انگیزه خلاقیت داشته باشد که لازمه هرگونه فعالیت کارآفرینی از جمله خوداشتغالی است، این است که حس اعتمادبه‌نفس یا به عبارت دقیق‌تر، خودکارآمدی داشته باشد که به توانایی فرد برای انجام کار خلاقانه اشاره دارد (Kelley & Kelley, 2013). بنابراین، هر قدر دانشجویان به توانایی‌هایشان برای خوداشتغالی بیشتر باور داشته و اعتمادبه‌نفس بیشتری در این زمینه داشته باشند، گرایش آنان به خوداشتغالی افزون‌تر و احتمال راه‌اندازی کسب‌وکاری شخصی بیشتر خواهد بود. همچنین، بین امیدواری و گرایش به خوداشتغالی با ۹۹ درصد اطمینان رابطه‌ی قوی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این نتیجه در تحقیقات دیگر نیز مورد تأیید قرار گرفته است (Jin, 2017; Contreras et al., 2017; Ghani et al., 2013).

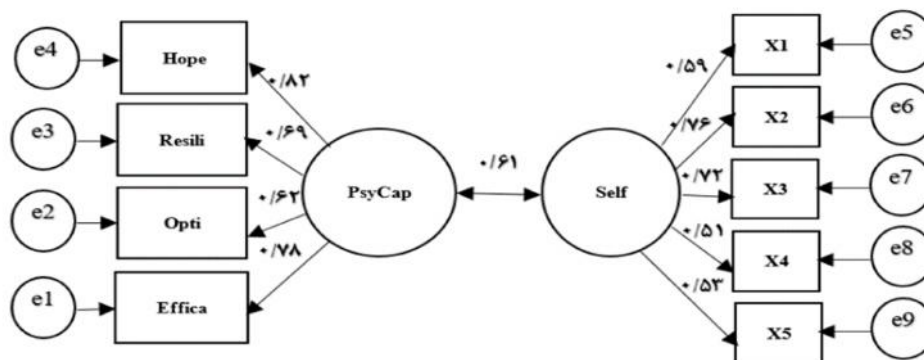
امیدواری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی، در ایجاد کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیز جدید مؤثر است (James & Gudmundsson, 2011; Morrow, 2006) و دانشجویان کشاورزی نیز امیدواری را به‌عنوان یکی از ضرورت‌های موفقیت در کارآفرینی و در اولویت نخست قرار داده‌اند (سعدی و سلیمانی، ۱۳۹۱). دانشجویان امیدوارتر هم توانایی تدوین و طرح‌ریزی اهداف و برنامه‌های کسب‌وکار را دارند، هم می‌توانند در هنگام مواجهه با موانع مسیرهای جایگزین برای تحقق آن اهداف بیابند (Sebora & Tantiukoskula, 2011). به بیان دیگر، آنان راهی را برای رسیدن به اهداف خود پیدا خواهند کرد. از سوی دیگر، بر اساس یافته‌های پژوهش بین تاب‌آوری و گرایش به خوداشتغالی دانشجویان در سطح یک درصد، رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد که این رابطه مطابق با طبقه‌بندی کوهن، متوسط می‌باشد.

در پژوهش‌های دیگر (Jin, 2017; Contreras *et al.*, 2017; Ghani *et al.*, 2013) نیز این یافته مورد تأیید قرار گرفته است. تاب‌آوری راهی برای کنار آمدن با تحولات، سختی‌ها یا فرصت‌هاست (Bernard & Barbosa, 2016; Werner *et al.*, 1971) و بدین ترتیب، هر قدر توانایی و ظرفیت دانشجویان برای مقابله با این سختی‌ها، تحولات و فشارهای روانی بیشتر باشد، گرایش آنان به خوداشتغالی نیز بیشتر خواهد بود، به‌ویژه اینکه فعالیت‌های کارآفرینی و خوداشتغالی همواره با مرارت‌ها، دشواری‌ها، فشارهای روانی و موقعیت‌های مبهم روبرو هستند. علاوه بر این، نتایج نشان داد، بین خوش‌بینی و گرایش به خوداشتغالی دانشجویان با ۹۹ درصد اطمینان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد که این رابطه ضعیف می‌باشد. تحقیقات دیگر (Baluku *et al.*, 2013; Ghani *et al.*, 2017; Madar *et al.*, 2019) نیز این رابطه را تأیید کرده‌اند. پس، دانشجویان خوش‌بین‌تر گرایش بیشتری به خوداشتغالی خواهند داشت. پژوهشگران نیز عقیده دارند که افراد خوش‌بین‌تر در مواجهه با موقعیت‌های چالش‌برانگیز فضای کسب‌وکار بهتر عمل می‌کنند و قصد قوی‌تری برای کارآفرین شدن دارند (Ozaralli & Rivenburgh, 2016).

جدول ۲- تحلیل همبستگی بین مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با گرایش به خوداشتغالی

مؤلفه	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	فرضیه فرعی
خودکارآمدی	۰/۴۹۲**	۰/۰۰۰	۱
امیدواری	۰/۵۱۳**	۰/۰۰۰	۲
تاب‌آوری	۰/۳۸۷**	۰/۰۰۰	۳
خوش‌بینی	۰/۲۸۰**	۰/۰۰۰	۴

برای بررسی رابطه‌ی بین سرمایه روان‌شناختی به‌عنوان یک سازه‌ی کلی و گرایش به خوداشتغالی دانشجویان از مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار AMOS استفاده شد. هر دو شاخص نیکویی برازش (GFI=۰/۹۱۶) و برازش تطبیقی (CFI=۰/۹۲۶) بالاتر از ۰/۹ بودند که به معنای تطبیق خوب مدل با داده‌ها است. علاوه بر این، شاخص مربع کای نسبی (CMIN/DF=۱/۹۳۱) کمتر از ۳ و ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA=۰/۰۸) نیز مناسب بود. بر اساس مدل به دست آمده (نگاره ۲) می‌توان گفت سازه‌های سرمایه روان‌شناختی و گرایش به خوداشتغالی توسط مؤلفه‌های خود تبیین شده‌اند. در مورد سازه سرمایه روان‌شناختی، امیدواری و خودکارآمدی قابلیت تبیینی بیشتری در مقایسه با دو مؤلفه دیگر دارند. با توجه به مقدار ضریب می‌توان گفت بین سرمایه روان‌شناختی و گرایش به خوداشتغالی رابطه وجود دارد که بر اساس طبقه‌بندی کوهن این رابطه قوی می‌باشد. در پژوهش‌های دیگر (Ghani *et al.*, 2013, Sebora & Tantiukoskula, 2011) نیز به وجود این رابطه اشاره شده است. این رابطه نشان می‌دهد با بهبود سرمایه روان‌شناختی دانشجویان که قابل مدیریت توسط دانشگاه‌هاست، می‌توان گرایش به خوداشتغالی در آنان را تشویق و تقویت کرد (Contreras *et al.*, 2017).



نگاره ۲- رابطه‌ی بین سرمایه روان‌شناختی و گرایش به خوداشتغالی

تحلیل رگرسیون تأثیر سرمایه روان‌شناختی بر گرایش به خوداشتغالی

در این پژوهش برای بررسی تأثیر جمعی سازه‌های سرمایه روان‌شناختی بر خوداشتغالی دانشجویان از رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد، دو سازه امیدواری و خودکارآمدی ۳۱ درصد (جدول ۳) از واریانس سازه گرایش به خوداشتغالی دانشجویان را تبیین کردند و ۶۹ درصد مربوط به متغیرهای دیگری هستند که در این مطالعه مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. نتایج تحلیل بر پایه ضرایب بتا نشان می‌دهد سازه امیدواری ($=0/۳۳۷$) قوی‌تر از سازه خودکارآمدی ($=0/۲۷۷$) است. مقدار آماره تولرانس در جدول برای سازه‌ها نزدیک به یک است که گویای میزان هم‌خطی کم بین آن‌هاست.

جدول ۳- ضرایب متغیرها در معادله رگرسیون

متغیرهای مستقل	B	Beta	t	Sig	Tolerance
ضریب ثابت	۳/۷۷	--	--	۰/۰۰۶	
امیدواری (X_1)	۰/۲۹۱	۰/۳۳۷	۳/۳۰	۰/۰۰۱	۰/۹۴
خودکارآمدی (X_2)	۰/۲۴۷	۰/۲۷۷	۲/۷۱	۰/۰۰۸	۰/۹۸
			$R^2_{Adj}=0/۲۹۷$	$R^2=0/۳۱$	$R=0/۵۶$

معادله رگرسیونی بر اساس ضرایب بتا به صورت زیر است:

$$Y=3.77+0.291X_1+0.247X_2$$

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در عصر کنونی کاهش چشمگیر کارکنان کسب‌وکارها یکی از مسائلی است که به نوبه خود نیاز به خوداشتغالی و ایجاد کسب‌وکارهای جدید را ضروری می‌سازد. این سؤال که چرا افراد خوداشتغال می‌شوند، سؤال اصلی پژوهش‌های کارآفرینی از زمان پیدایش این پژوهش‌ها تاکنون بوده است (Chlosta et al., 2012) و شواهد نشان می‌دهند عوامل گوناگون فردی و زمینه‌ای در سطوح خرد و کلان، افراد را به خوداشتغالی سوق می‌دهند یا جذب می‌کنند (Patel & Thatcher, 2014). کشاورزی در ایران یکی از بخش‌هایی است که از پتانسیل فراوان برای توسعه کارآفرینی برخوردار است، اما دانش‌آموختگان کشاورزی به دلایل متعدد از جمله تمایل به کار دولتی و پشت میز نشینی، ناآشنایی با حوزه‌های کارآفرینی در بخش کشاورزی، مهارت‌های اندک در زمینه کارآفرینی و غیره وارد این عرصه نمی‌شوند. بنابراین، هرگونه تلاش برای افزایش گرایش دانشجویان کشاورزی به خوداشتغالی (انجام پژوهش‌های مرتبط با این حوزه، بازنگری در برنامه‌های درسی، تقویت مهارت‌های گوناگون در دانشجویان و غیره) می‌تواند گره از کلاف سردرگم بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی به‌ویژه دانش‌آموختگان کشاورزی بگشاید. مطالعات در اقتصاد، روان‌شناسی و کارآفرینی نشان داده‌اند که خوداشتغالی با رضایت شغلی بالاتری نیز همراه است (Nikolova, 2018).

این پژوهش با رویکرد زمینه‌سازی برای سوق دادن دانشجویان کشاورزی به خوداشتغالی انجام شده و یکی از متغیرهای مهم اثرگذار در گرایش به خوداشتغالی یا ادراک دانشجویان درباره کار کردن به‌عنوان مالک کسب‌وکار یعنی سرمایه روان‌شناختی بررسی شده است (Tella & Issa, 2013). یافته‌های پژوهش نشان داد بین سرمایه روان‌شناختی و گرایش به خوداشتغالی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد و هر قدر سرمایه روان‌شناختی دانشجویان بیشتر باشد، احتمال اینکه آنان خوداشتغالی را به‌عنوان گزینه شغلی انتخاب کنند بیشتر است. سرمایه روان‌شناختی فراتر از ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی بوده و بر بعد مثبت انسان‌ها متمرکز است که می‌توان آن را آموخت و پرورش داد (Sebora & Tantiukoskula, 2011). از این‌رو، آگاهی از سرمایه روان‌شناختی و مهارت‌آموزی درباره تقویت ابعاد سرمایه روان‌شناختی را می‌توان به محتوای دروس کشاورزی، به‌ویژه دروس مرتبط با کارآفرینی و کسب‌وکارهای کشاورزی اضافه کرد تا دانشجویان با آن آشنا شوند و بتوانند این سرمایه را در وجود خود تقویت کنند. پرورش سرمایه روان‌شناختی به دانشجویان کمک می‌کند در برابر فشارهای روانی زیادی که در ذات

خوداشتغالی و کارآفرینی وجود دارد، ایستادگی کنند و موقعیت بهتری را برای بقا و شکوفایی در محیط‌های کسب‌وکار به دست آورند و نوعی مزیت رقابتی داشته باشند. به‌علاوه، سرمایه روان‌شناختی به مدیریت تعارضات بین فرد کارآفرین با سرمایه‌گذاران کسب‌وکار نیز کمک می‌کند (Zou *et al.*, 2016) و دانشجویان کشاورزی می‌توانند از این فرصت برای جذب سرمایه‌گذار برای کسب‌وکار نوپای خود و مدیریت ارتباط با سرمایه‌گذاران هم استفاده کنند.

بر اساس نتایج پژوهش، بین خودکارآمدی و گرایش به خوداشتغالی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و هر قدر دانشجویان به این موضوع که می‌توانند انگیزه، منابع شناختی و سلسله اقدامات لازم برای انجام موفقیک وظیفه و امر مهم را بسیج کنند باور بیشتری داشته باشند، گرایش آنان به خوداشتغالی نیز بیشتر خواهد بود. خودکارآمدی یکی از متغیرهای پیش‌بینی‌کننده گرایش به خوداشتغالی دانشجویان نیز بود. خودکارآمدی پیش‌نیاز اساسی برای گذر از نیت به اقدام است (Willi Scheiner, 2009) و تأثیر روشنی بر رفتار انسان دارد (Vieira & Palmer, 2019) و در تعیین اینکه آیا فرد تلاش می‌کند در یک فعالیت یا کار مشغول شود یا از آن اجتناب کند، نقش ایفا می‌کند (Beghetto & Karwowski, 2017). دانشجویانی که به توانایی‌های خود باور داشته باشند، معمولاً به فعالیت‌های مشکل به‌عنوان چالش نزدیک شده و به‌جای اینکه از تهدیدها اجتناب کنند، تلاش می‌کنند بر آنها مسلط شوند که علاقه و مشارکت‌شان در فعالیت‌ها افزایش می‌یابد (Vieira & Palmer, 2019). خودکارآمدی ناشی از تمرین یا خبرگی است (Luthans *et al.*, 2015) و دانشجویان احتمالاً اطمینان بیشتر درباره انجام وظایف و اقداماتی دارند که بارها و بارها تمرین کرده و تسلط یافته باشند. پس برای افزایش گرایش دانشجویان به خوداشتغالی باید در طول تحصیل و در قالب محتوای دروس، وظایف و تمرین‌های مشخصی به آنان داده شود تا به اعتمادبه‌نفس بیشتر آن‌ها منجر شود و جرأت و زمینه ورود به خوداشتغالی را در آنان فراهم کند. به‌عنوان مثال تحلیل بازار محصولات کشاورزی، تهیه طرح کسب‌وکار، راه‌اندازی و اداره تعاونی‌های کشاورزی در قالب گروه‌های دانشجویی و غیره به‌عنوان تکالیف درسی می‌توانند از این دست وظایف باشند.

خودکارآمدی مبتنی بر تخمین دانشجویان از احتمال موفقیت‌شان در آینده و مستلزم آن است که دانشجویان تجربه‌ای داشته باشند تا ارزیابی مثبت از خودکارآمدیشان ارائه کنند. خودکارآمدی، خاص یک قلمرو یا حوزه است و اعتمادی که در یک قلمرو خاص ایجاد شده ممکن است قابل انتقال به حوزه‌های دیگر نباشد (Luthans *et al.*, 2007)، از این‌رو دانشجویان کشاورزی ممکن است در زمینه محتوای علمی و تخصصی اعتمادبه‌نفس داشته باشند، اما بدین معنا نیست که در خوداشتغالی هم این وضعیت برقرار است و باید به تقویت مؤلفه‌هایی از خودکارآمدی که گرایش به خوداشتغالی را تشویق و تسهیل می‌کنند، نیز توجه شود. همیشه جایی برای پیشرفت در خودکارآمدی وجود دارد و حتی در حوزه‌هایی که دانشجویان فکر می‌کنند از خودکارآمدی لازم برخوردار هستند، هنوز می‌توان کارهایی را انجام داد (Luthans *et al.*, 2015). به‌عنوان مثال دانشجویان ممکن است از نظر علمی خوب باشند، اما از مهارت‌های اجتماعی لازم برای کسب‌وکار برخوردار نباشند و در نتیجه همواره امکان بهبود خودکارآمدی دانشجویان در حوزه‌هایی وجود دارد. نکته مهم دیگر درباره خودکارآمدی این است که خودکارآمدی تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرد و آنچه دیگران درباره دانشجویان به آنان می‌گویند در خودارزیابی شخصی‌شان تأثیر دارد (Luthans *et al.*, 2007). بدین‌ترتیب افراد دیگر از جمله استادان، هم‌کلاسی‌ها، صاحبان کسب‌وکار و غیره می‌توانند وسیله‌ای برای تقویت خودکارآمدی در دانشجویان باشند. مهم‌تر اینکه وقتی دانشجویان می‌بینند آن‌هایی که از بسیاری جهات مشابه خودشان هستند وظایف و کارهای خاصی را انجام می‌دهند و به اهداف ویژه‌ای که مطابق با میل آنان هست دست می‌یابند، شروع به پروراندن خودکارآمدی در وجود خویش می‌کنند. این امر مؤید اهمیت الگوهای نقش در سوق دادن دانشجویان به خوداشتغالی نیز هست و هر قدر دانشجویان با کسب‌وکارهایی که صاحبان آن‌ها وضعیت و شرایط مشابهی با خودشان دارند بیشتر تعامل کنند، احتمال تقویت خودکارآمدی در آنان افزایش یافته و گرایش به خوداشتغالی آنان بیشتر خواهد شد.

یافته‌های پژوهش، همچنین نشان داد که بین امیدواری و گرایش به خوداشتغالی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد و دانشجویان امیدوارتر میل بیشتری به خوداشتغالی دارند. امیدواری در پیش‌بینی گرایش به خوداشتغالی دانشجویان نیز مؤثر بود. از این‌رو، دانشجویان امیدوارتر، اراده قوی‌تری برای خوداشتغالی داشته و مسیرهای گوناگونی را برای رسیدن به اهداف خود می‌آزمایند. امید دارای سه مؤلفه اساسی است که پرورش و تقویت هر یک از آن‌ها موجب افزایش امیدواری در دانشجویان می‌شود:

۱) داشتن حداقل یک هدف جالب و جذاب برای آینده؛ ۲) تقویت این باور در دانشجویان که آنان از قدرت و منابع لازم برای رسیدن به اهداف خود برخوردارند و ۳) بودن حداقل یک فرد دلسوز که دانشجویان را برای رسیدن به اهداف ترغیب نماید (Lopez, 2013). به‌عنوان مثال آموزش برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری در فعالیت‌ها و کارها و تعیین اهداف روزانه و ماهانه می‌تواند عادت هدفمندی در زندگی را در دانشجویان ایجاد کند (مانند فردی که عادت می‌کند هر روز در یک ساعت خاص ورزش کند و هیچ فعالیت دیگر مانع از این کار نمی‌شود).

استادان، صاحبان کسب‌وکارها و افراد آشنا به حوزه کسب‌وکار و نیز محتوای دروس می‌توانند در تحقق سه مؤلفه امیدواری نقش ایفا کنند. یافته‌ها حاکی از آن بود که بین تاب‌آوری و گرایش به خوداشتغالی نیز رابطه وجود دارد. این یافته به معنای آن است که دانشجویانی که از تاب‌آوری بالاتری برخوردارند، شکست‌های پی‌درپی آنان را از پیگیری و دستیابی به مأموریتی که برای خود و کسب‌وکارشان تعیین می‌کنند بازخواهد داشت. تاب‌آوری یک ویژگی ثابت نیست، بلکه یک ظرفیت یا توانایی روان‌شناختی پویا، قابل‌انعطاف و قابل‌پرورش است (Luthans et al., 2015) که با آموزش قابل‌تقویت بوده و اثربخشی مداخلات آموزشی در افزایش تاب‌آوری تأیید شده است (Waite & Richardson, 2004).

آموزش صلاحیت‌های اجتماعی، مهارت‌های حل مسأله، استقلال‌طلبی و هدفمندی برای آینده می‌تواند تاب‌آوری دانشجویان را افزایش دهد. همچنین می‌توان به دانشجویان آموزش داد که وقتی کارهایی را اشتباه انجام می‌دهند، در تله تفکر منفی گرفتار نشوند، صحت باورها درباره مسائل و مشکلات و چگونگی یافتن راه‌حل‌ها برای انجام کارها را بیازمایند و هنگام مواجهه با هیجانات یا فشارهای روانی آرامش خود را حفظ کنند. بر اساس نتایج پژوهش، بین خوش‌بینی و گرایش به خوداشتغالی دانشجویان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد و افراد خوش‌بین‌تر گرایش بیشتری به خوداشتغالی دارند. خوش‌بینی نیز قابل‌یادگیری است و آموزش دادن به دانشجویان برای شناسایی باورهایی که هنگام مواجهه با چالش علیه آنان عمل می‌کنند، ارزیابی صحت و درستی این باورها و روش‌های از بین بردن باورهای منفی و جایگزین کردن آن‌ها با باورهای سازنده‌تر و دقیق‌تر می‌تواند خوش‌بینی دانشجویان را افزایش دهد.

منابع

- امینی، ع.ر. (۱۳۹۶). *تحلیل اجمالی وضعیت بازار کار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و ارائه اقدامات و راهکارهای لازم برای افزایش اشتغال آن‌ها*. تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.
- حاجی میررحیمی، د.، و نوروزی، ع. (۱۳۹۳). بررسی توانمندی‌های کارآفرینانه دانشجویان دوره‌های علمی-کاربردی کشاورزی: مورد مطالعه مرکز آموزش عالی امام خمینی. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۱۱، شماره ۲، صص ۶۷-۹۰.
- رضائی، م. (۱۳۹۸). رابطه‌ی بین خودکارآمدی کارآفرینانه و نیت کارآفرینی دانشجویان کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۲-۵۰، شماره ۲، صص ۴۱۹-۴۰۹.
- سعدی، ح.، و سلیمانی، ع. (۱۳۹۱). ظرفیت کارآفرینی دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا-همدان. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۸، شماره ۲، صص ۱۱۸-۱۰۵.
- شریف‌زاده، م.ش.، عبدالله‌زاده، غ.ح.، و پهلوانی، م.ه. (۱۳۹۶). رابطه‌ی مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی و ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان. *فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، دوره ۴۰، صص ۶۸-۸۳.
- عبدی، آ.، اسکندری، ف. و جلالی، م. (۱۳۹۸). واکاوی تطبیقی قابلیت اشتغال دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی و فنی مهندسی (مورد مطالعه دانشگاه کردستان). *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۲۸۳-۲۷۱.
- کشاورز، ل.، فراهانی، ا.، و سیفی‌سالدی، م.ه. (۱۳۹۶). تبیین نقش سرمایه روان‌شناختی در توسعه کارآفرینی سازمانی و ارائه الگوی مناسب. *مجله مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش*، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۹۷-۱۱۱.

کهن‌هوش‌نژاد، ر.، خنیفر، ح.، طالبی، ک.، و رضائیان، ع. (۱۳۹۸). تبیین نقش سرمایه روان‌شناختی کارآفرینانه در ایجاد کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیز جدید: نقش میانجی قصد کارآفرینانه (مورد مطالعه: شرکت‌های تجهیزات پزشکی). *مجله مدیریت فرهنگ سازمانی*، دوره ۱۷، شماره ۲، صص ۱۱۹-۲۱۸.

محبوبی، ط.، و کریمی، ب. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه روان‌شناختی و خودافشایی هیجانی با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور استان آذربایجان غربی. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، دوره ۶، شماره ۱۹، صص ۷۹-۵۸.

موحدی، ر.، و چرختابیان، ط. (۱۳۹۲). تحلیل زمینه‌های خوداشتغالی و اشتغال‌زایی دروس تخصصی رشته ترویج و آموزش کشاورزی. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۴۵-۱۵۹.

- Abebe, A. (2015). Attitudes of undergraduate students toward self-employment in Ethiopian public universities. *International Journal of Business and Management Review*, 3(7), 1-10.
- Al Idrus, S., Djakfar, M., and Abdussakir, A. (2019). Contribution of entrepreneurship learning on self-employment intention among students: A case study at state higher education of Islamic religion in East Java. *Academy of Entrepreneurship Journal*, 25(1), 1-11.
- Al Rasyid, A., and Bangun, Y.R. (2015). The relationship between psychological capital and entrepreneurial traits: A case study of MBA SBM ITB students in Bandung. *Journal of Business and Management*, 4(3), 297-316.
- Baluku, M.M., Kikooma, J.F., and Kibanja, G.M. (2016). Psychological capital and the startup capital-entrepreneurial success relationship. *Journal of Small Business and Entrepreneurship*, 28(1), 27-54.
- Baluku, M.M., Kikooma, J.F., Bantu, E., and Otto, K. (2018). Psychological capital and entrepreneurial outcomes: the moderating role of social competences of owners of micro-enterprises in East Africa. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 8(26), 2-23. Available at: <<https://doi.org/10.1186/s40497-018-0113-7>>.
- Baluku, M.M., Matagi, L., Musanje, K., Kikooma, J.F., and Otto, K. (2019). Entrepreneurial socialization and psychological capital: Cross-cultural and multi-group analyses of impact of mentoring, optimism, and self-efficacy on entrepreneurial intentions. *Entrepreneurship Education and Pedagogy*, 2(1), 5-42.
- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York: Worth Publishers.
- Barau, A.A., and Adesiji, G.B. (2018). Socioeconomic determinants influencing the willingness of agriculture undergraduates to participate in agripreneurship in Northwest Nigeria. *International Journal of Agricultural Management and Development*, 8(1), 25-34.
- Baron, R., Franklin, R., and Hmieleski, K. (2016). Why entrepreneurs often experience low, not high, levels of stress: The joint effects of selection and psychological capital. *Journal of Management*, 42, 742-768.
- Beghetto, R.A., and Karwowski, M. (2017). Toward untangling creative self-beliefs. In: M. Karwowski and J.C. Kaufman (Eds.), *The creative self: effect of beliefs, self-efficacy, mindset, and identity*, (pp. 3-22), UK: Elsevier Inc.
- Bernard, M.J., and Barbosa, S.D. (2016). Resilience and entrepreneurship: A dynamic and biographical approach to the entrepreneurial act. *Management*, 19, 89-121.
- Bockorny, K., and Youssef-Morgan, C.M. (2019). Entrepreneurs' courage, psychological capital and life satisfaction. *Frontiers in psychology*, 10, 789. Available at: <<https://www.frontiersin.org/articles/10.3389/fpsyg.2019.00789/full>>.
- Chlosta, S., Patzelt, H., Klein, S.B., and Dormann, C. (2012). Parental role models and the decision to become self-employed: The moderating effect of personality. *Small Bus Econ*, 38, 121-138.
- Contreras, F., Dreu, I., and Espinosa, J.C. (2017). Examining the relationship between psychological capital and entrepreneurial intention: an exploratory study. *Asian Social Science*, 13(3), 80-88.
- Gangadharappa, V., Pramod, T., and Shiva, H. (2007). Gastric floating drug delivery systems: A review. *Indian J Pharm Ed Res*, 41(4), 295-305.
- George, D., and Mallery, P. (2016). *IBM SPSS Statistics 23 Step by Step: A simple guide and reference* (14th Edition). London: Routledge.
- Ghani, M., Hooshangi, S.M., Mobaraki, M.H., and Mirzaei, E. (2013). The effect of psychological capital on university of Tehran students' entrepreneurial intention. *Asian Journal of Research in Business Economics and Management*, 3(10), 313-321.
- Goetz, S.J., Fleming, D.A., and Rupasingha, A. (2012). The economic impacts of self-employment. *Journal of Agricultural and Applied Economics*, 44(3), 315-321.
- Hasan, M., Hatidja, S.N., Guampe, F.A.G., and Maruf, M.I. (2019). Entrepreneurship learning, positive psychological capital and entrepreneur competence of students: A research study. *Entrepreneurship and Sustainability Issues*, 7(1), 425-437.

- Hasni, N.J., Roshayati, A.H., Adriana, M.R., and Nurita, J. (2015). Psychological capital and entrepreneurial success: A multiple-mediated relationship. *European Journal of Interdisciplinary Studies*, 1(2), 110-133.
- Hmieleski, K.M., and Carr, J.C. (2008). The relationship between entrepreneur psychological capital and new venture performance. *Frontiers of Entrepreneurship Research*, 28(4), 1-15.
- Hossain, M.I., Yagamaran, K.S.A., Afrin, T., Limon, N., Nasiruzzaman, M., and Karim, A.M. (2018). Factors influencing unemployment among fresh graduates: A case study in Klang Valley, Malaysia. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 8(9), 1494-1507.
- Isah, U.G., and Garba, A.S. (2015). Analysis of students' attitudes toward self-employment intention in tertiary institutions in Nigeria. *International Journal of Small Business and Entrepreneurship Research*, 3(3), 1-11.
- James, N., and Gudmundsson, A. (2011). Entrepreneur optimism and the new venture creation process. *Journal of Asia Entrepreneurship and Sustainability*, 7(2), 52-71.
- Jin, Ch.H. (2017). The effect of psychological capital on start-up intention among young start-up entrepreneurs. *Chinese Management Studies*, 11(4), 707-729.
- Kabbani, N. (2019). Youth employment in the Middle East and North Africa: Revisiting and reframing the challenge. Policy briefing, Available at: <https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2019/02/Youth_Unemployment_MENA_English_Web.pdf>.
- Kanagasingam, V. (2017). Theorizing unemployment among graduates with the theory of communicative action. Proceedings of 9th Annual American Business Research Conference, 10 - 11 July, Sheraton LaGuardia East Hotel, New York, USA. (0-5).
- Kelley, T., and Kelley, D. (2013). *Creative confidence: Unleashing the creativity potential within us all*. New York, NY: Crown Publishing.
- Lopez, S. (2013). *Making hope happen*. New York, NY: Atria.
- Luthans, B.C., Luthans, K.W., and Jensen, S.M. (2012). The impact of business school students' psychological capital on academic performance. *Journal of Education for Business*, 87(5), 253-259.
- Luthans, F., and Ibrayeva, E.S. (2006). Entrepreneurial self-efficacy in central Asian transition economies: Quantitative and qualitative analyses. *Journal of International Business Studies*, 37, 92-110.
- Luthans, F., Avolio, B.J., and Avey, J.B. (2014). Psychological capital questionnaire (PCQ) manual: Development, applications, and research. Available at: <<https://www.mindgarden.com>>.
- Luthans, F., Youssef, C.M., and Avolio, B.J. (2007). *Psychological capital: Developing the human competitive edge*. New York, NY: Oxford University Press.
- Luthans, F., Youssef-Morgan, C.M., and Avolio, B.J. (2015). *Psychological capital and beyond*. New York, NY: Oxford University Press.
- Ma, H., Barbe, F.T., and Zhang, Y.C. (2018). Can social capital and psychological capital improve the entrepreneurial performance of the new generation of migrant workers in China? *Sustainability*, 10(3964), 1-16.
- Madar, N.K., Teeni-Harari, T., Ickson, T., and Sela, Y. (2019). Optimism and entrepreneurial intentions among students: the mediating role of emotional intelligence. *Journal of Entrepreneurship Education*, 22(4), 1-19.
- Margarita, S., Tibiletti, L., and Uberti, M. (2015). How does optimism impact on entrepreneurs' overconfidence? *International Journal of Business Research and Management (IJBRM)*, 6 (3), 45-53.
- McStay, D. (2008). An investigation of undergraduate student self-employment intention and the impact of entrepreneurship education and previous entrepreneurial experience. Bond University. Available at: <http://works.bepress.com/dell_mcstay/2>.
- Morrow, R. (2006). *Hope, entrepreneurship and foresight*. Melbourne: Regional frontiers of entrepreneurship research: Swinburne University.
- Nikolova, M. (2018). Switching to self-employment can be good for your health. *Journal of Business Venturing*, Available at: <<https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2018.09.001>>.
- Organization for Economic Cooperation and Development (OECD). (2019). *Self-employment rate (indicator)*. Available at: <<https://data.oecd.org/emp/self-employment-rate.htm>>.
- Ogege, S.O. (2011). Education and the paradox of graduate unemployment: The dilemma of development in Nigeria. *African Research Review*, 5(1), 253-265.
- Ozaralli, N., and Rivenburgh, N.K. (2016). Entrepreneurial intention: Antecedents to entrepreneurial behavior in the USA and Turkey. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 6(3), 1-32.
- Pallant, J. (2007). *A step-by-step guide to data analysis using SPSS version 15*. USA: Mc Graw Hill.
- Patel, P.C., and Thatcher, S.M.B. (2014). Sticking it out: Individual attributes and persistence in self-employment. *Journal of Management*, 40(7), 1932-1979.

- Pease, P., and Cunningham, J. (2016). Entrepreneurial psychological capital: A different way of understanding entrepreneurial capacity. In: British Academy of Management Conference: Thriving in Turbulent Times (BAM 2016), 4th - 8th September, Newcastle upon Tyne, UK.
- Sebora, T.C., and Tantiukoskula, S. (2011). Psychological capital and the entrepreneurial intention of college students. In G. Papanikos (Eds.), *International developments in management research*, PP.199-220. Greece: Atiner.
- Shapiro, A.F. (2014). Self-employment and business cycle persistence: Does the composition of employment matter for economic recoveries? *Journal of Economic Dynamics and Control*, 46, 200-218.
- Shin, J.Y. (2018). Will I find a job when I graduate? Employment anxiety, self-compassion, and life satisfaction among South Korean college students. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*. Available at: <<https://doi.org/10.1007/s10775-018-9378-1>>.
- Solesvik, M.Z., Westhead, P., Kolvereid, L., and Matlay, H. (2012). Student intentions to become self-employed: the Ukrainian context. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 19(3), 441-460.
- Stawi ska, A. (2012). Entrepreneurship culture: The European perspective and national perspectives on the example of Luxembourg. In: M. Kotzeva, and M. Schmiemann (Eds.) *Entrepreneurship determinants: Culture and capabilities*. Eurostat Statistical Book. Publications Office of the European Union, Available at: <http://epp.eurostat.ec.europa.eu/cache/ITY_OFFPUB/KS-31-12-758/EN/KS-31-12-758-EN.PDF>.
- Tella, A., and Issa, A.O. (2013). An examination of library and information science undergraduate students' career aspirations in entrepreneurship and self-employment. *Journal of Business and Finance Librarianship*, 18, 129-145.
- Tianyu, L. (2018). The effecting of the positive psychological capital on the entrepreneurial mind in case the vocational students in MueangNongKhai District, NongKhai Province, Thailand. *Journal of MCU Nakhondhat*, 5(2), 295-316.
- Vieira, D.A., and Palmer, S. (2019). Self-efficacy within coaching and coaching psychology. In: S. Palmer and A. Whybrow (Eds.), *The handbook of coaching psychology: a guide for practitioners*, second edition, (pp. 50-63), London and New York: Routledge.
- Waite, P., and Richardson, G. (2004). Determining the efficacy of resiliency training in the work site. *Journal of Allied Health*, 33, 178-183
- Wang, Y., Tsai, C.H., Tsai, F.S., Huang, W., and Cruz, S.M. (2018). Antecedents and consequences of psychological capital of entrepreneurs. *Sustainability*, 10(3717), 1-18.
- Werner, E.E., Bierman, J.M., and French, F.E. (1971). *The children of Kauai Honolulu*. USA: University of Hawaii Press.
- Wilks, J., and Burns, A. (2019). A decade of agriculture graduates' employability and career pathways. *International Journal of Innovation in Science and Mathematics Education*, 27(4), 2-13.
- Willi Scheiner, C. (2009). *Fundamental determinants of entrepreneurial behavior*. Germany: Gabler research.
- World Bank. (2012). *Jobs in the Middle East and North Africa*. Washington DC: World Bank.
- Yousaf, S.U., Hizam-Hanafiah, M., and Usman, B. (2015). Psychological capital: Key to entrepreneurial performance and Growth intentions. *International Research Journal of Social Sciences*, 4(9), 39-45.
- Zou, H., Chen, X., Lam, W.R., and Liu, X. (2016). Psychological capital and conflict management in the entrepreneur-venture capitalist relationship in China: The entrepreneur perspective. *International Small Business Journal*, 34(4), 446-467.

Article Type: Research Article

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20081758.1399.16.2.4.5>

Analysis of the Relationship between Psychological Capital and Self-Employment Intention of Agricultural Students at University of Arak

M. Rezaei^{1*} and F. S. Abtahi²

(Received: Jan 27. 2020; Accepted: Aug 20. 2020)

Abstract

The main purpose of this study was to investigate the relationship between psychological capital and self-employment intention of agricultural students at University of Arak. This research was a quantitative and descriptive-correlational study which was conducted using a survey method. The target population of the study contained of all B.Sc. students in agriculture faculty of University of Arak (N= 400), from whom 115 students were selected using SPSS Sample Power software. Simple random sampling was employed in selection of the respondents. Data was collected through a questionnaire that its validity confirmed by a panel of experts. Its reliability was confirmed by calculating Cronbach's alpha coefficient which was greater than 0.8 for all parts of the questionnaire. SPSS and AMOS statistical packages were used to analyze the data. The results indicated that the psychological capital and self-employment intention of students in most cases were at high and intermediate levels, respectively. The findings of structural equation modeling revealed that there was a positive significant relationship between psychological capital and students' self-employment intention. Furthermore, the results of correlation analysis showed that there was a positive significant relationship between psychological capital components (self-efficacy, hope, resilience, and optimism) and students' self-employment intention. Stepwise regression also revealed that self-efficacy and hope can significantly predict 31 percent of variation in the students' self-employment intention. The result of this study can be used to promote the self-employment intention of agricultural students in Iran.

Keywords: Agricultural students, Psychological capital, Self- employment.

¹ Associate Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

² Assistant Professor, Department of Medicinal Plants, Faculty of Agriculture and Natural Resources, Arak University, Arak, Iran.

* Corresponding Author, Email: m.rezaei@ihcs.ac.ir